

A study of the character of Ardeshir Babakan in the form of Max Weber's charismatic theory

Shahnaz Hojjati Najafabadi*

Mohammad Bahrami**


Abstract

The political structure of the Parthian government, the cultural diversity in the Parthian society, along with the particular religious' approach of the Parthian kings and the successive Roman invasions of the western borders of the Parthian Empire, generally created critical conditions in Iranian society in the second and early third centuries, In such circumstances, Ardeshir Babakan from a religious family in the province of Persia, succeeded in providing the cause for the fall of the Parthian government and during two years of continuous political and military activities, transferred the country's political power from the Parthian family to the Sassanid family. Ardeshir's ability to transfer power from the legitimate kings of the country to his family, which was due to his correct understanding of the critical situation of society, on the one hand, and overcoming political, military, religious and social crises and disorders by having some personality traits and characteristics. And his behavior makes it possible to explain Ardeshir's personality and performance in the form of the theory of the charismatic leader Max Weber. Thus, the main issue of this research is to explain the personality of Ardeshir Babakan in the form of Max Weber's charismatic theory. Studies show that in addition to Ardeshir's personality and behavioral characteristics, the social and political conditions of the society could have paved the way for the emergence of a new leadership with a new ideology in the country. The findings of this study indicate that Ardashir I Sassanid with all personality traits, by taking some measures and with special attention to the Zoroastrian religion and the design

* Assistant Professor of Iranology, Meybod University, Yazd, Iran (Corresponding Author),
hojjati@meybod.ac.ir

** M.A. in Iranian Studies in History, Yazd University, Yazd, Iran, mmdbahrami1993@yahoo.com

Date received: 4/11/2020, Date of acceptance: 28/2/2021

 Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

of a new discourse of unity of religion and state to resolve political and social crises in society and finally aside. Taking over the government and choosing a suitable successor can be a charismatic leader. The research method in this article, according to its sociological approach, is to describe and analyze the data in the framework of "Charisma Theory" and to recognize the dimensions of personal, family, political and historical personality of Ardeshir Babakan in the framework of this theory.

Keywords: Ardeshir Babakan, Sassanids, Parthians, Max Weber, Charisma.



بررسی شخصیت اردشیر بابکان در قالب نظریه کاریزماتیک ماکس وبر

شهناز حجتی نجفآبادی*

محمد بهرامی**

چکیده

ساختار سیاسی حکومت اشکانیان، تنوع فرهنگی در جامعه اشکانی همراه با رویکرد دینی خاص شاهنشاهان اشکانی و تجاوزات پیاپی رومیان به مرزهای غربی قلمرو اشکانیان، بطورکلی شرایط بحرانی را در جامعه ایران قرن دوم و اوایل قرن سوم بوجود آورده بود در چنین شرایطی اردشیر بابکان از یک خاندان مذهبی در ایالت پارس، موفق شد اسباب سقوط حکومت اشکانیان را فراهم آورد و طی دو سال فعالیت‌های سیاسی نظامی مستمر، قدرت سیاسی کشور را از خاندان اشک به خاندان ساسان منتقل نماید. توانایی اردشیر در انتقال قدرت از شاهنشاهان قانونی کشور به خاندان خویش که ناشی از درک صحیح او از شرایط بحرانی جامعه بود از یکسو و از سویی دیگر فائق آمدن بر بحرانه‌ها و نابسامانی‌های سیاسی، نظامی، دینی و اجتماعی جامعه بواسطه داشتن برخی مشخصات و ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری وی، سبب می‌شود تا بتوان شخصیت و عملکرد اردشیر را در قالب نظریه رهبرکاریزماتیک ماکس وبر تبیین نمود. بدین ترتیب مسئله اصلی این پژوهش، تبیین شخصیت اردشیر بابکان در قالب نظریه کاریزماتیک ماکس وبر است. بررسی‌ها حاکی از آن است که علاوه بر ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری اردشیر، شرایط اجتماعی و سیاسی جامعه، می‌توانسته زمینه‌ساز ظهور رهبری جدید با ایدئولوژی نو در کشور بوده باشد. یافته‌های این جستار بیانگر آن است که اردشیر اول ساسانی با تمامی ویژگی‌های شخصیتی، با انجام برخی اقدامات و با توجه ویژه به دین زرتشتی و طرح گفتمان جدید اتحاد دین و دولت برای حل بحران‌های سیاسی و اجتماعی موجود در جامعه و در نهایت

* استادیار گروه ایران‌شناسی، دانشگاه میبد، یزد، ایران (نویسنده مسئول)، hojati@meybod.ac.ir

** کارشناس ارشد ایران‌شناسی گرایش تاریخ، دانشگاه یزد، یزد، ایران، mmdbahrami1993@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۰



با کناره گیری از حکومت و انتخاب جانشینی شایسته می تواند به عنوان یک رهبر کاریزما مطرح شود. روش تحقیق در این مقاله با توجه به رویکرد جامعه‌شناختی آن، توصیف و تحلیل داده‌ها در چارچوب «نظریه کاریزما» و شناسایی ابعاد شخصیت فردی، خاندانی، سیاسی و تاریخی اردشیر بابکان در قالب این نظریه است.

کلیدواژه‌ها: اردشیر بابکان، ساسانیان، اشکانیان، ماکس وبر، کاریزما.

۱. مقدمه

اردشیر اول ساسانی، مؤسس دومین سلسله بزرگ پارسی در سال ۲۲۴ میلادی با شکست اردوان پنجم آخرین شاه دودمان اشکانی در نبرد هرمزدگان، پایه‌های حکومت ساسانی را بنیان نهاد. وی بعد از دو سال فعالیت‌های نظامی مداوم با شاهک‌ها یا شاهان محلی مستقل و نیمه مستقل در محدوده قلمرو اشکانیان، در نهایت موفق شد در سال ۲۲۶ میلادی رسماً در تیسفون تاجگذاری نماید. تاسیس دومین سلسله‌ی پارسی در ایران باعث ایجاد ساختار جدیدی از قدرت در کشور شد که ایدئولوژی آن در داخل کشور مبتنی بر اتحاد دین و دولت بود و در خارج از مرزهای ایران‌شهر بر اساس احیای امپراطوری پارسی یا هخامنشی و بازستانی سرزمین‌هایی بود که در سابق متعلق به نیاکان پارسی آنها بود بر این اساس اردشیر بابکان سیاست‌های داخلی و خارجی را بنیان نهاد که تغییر و نوآوری، ویژگی ممتاز آنها بود. وی در شرایطی قدرت را در دست گرفت که جامعه ایران از قرن دوم میلادی به دلیل بحران‌های سیاسی ناشی از ساختار حکومت ملوک الطوائفی اشکانیان چون کاهش قدرت مرکزی و افزایش قدرت و اختیارات خاندان‌های اشراف، ظهور مکرر مدعیان سلطنت، جنگ‌های مکرر در دو جبهه شرقی و غربی بخصوص شکست‌های پیاپی از رومیان، بروز بیماری‌های فراگیر، (Bournoutian 1995: 58-59) و تساهل و تسامح دینی شاهان اشکانی که باعث کثرت و تنوع آراء و عقاید دینی در جامعه شده بود، شرایط بحرانی را تجربه می‌نمود و همه موارد فوق باعث عدم اتحاد، انسجام و یکپارچگی جامعه گشته بود و نیاز به یک رهبر جدید که بتواند با ارائه راهکارها و سیاست‌های جدید، کشور را یکپارچه و منسجم نماید، احساس می‌شد. در این شرایط اردشیر با داشتن برخی مشخصات و ویژگی‌ها چون انتساب به خاندان کیانی، تعلق به یک خاندان مذهبی، داشتن شجاعت و اقتدار و جاذبه جسمانی و البته داشتن ایده‌های جدید سیاسی، نظامی، دینی و اجتماعی، خود را در صحنه متلاطم سیاسی دهه سوم قرن سوم میلادی، مطرح نماید. طرح ایده‌های جدید از

سوی اردشیر باعث منازعات و درگیری‌هایی پیوسته‌ای هم در داخل ایران‌شهر و هم در آنسوی مرزهای غربی گردید. اردشیر در غالب صحنه‌ها، دلاوری و اعمال قهرمانانه قابل توجهی از خود نشان داد و بعد از شانزده سال (۲۲۴-۲۴۰ م) فعالیت‌های نظامی و سیاسی مستمر از حکومت کناره گرفت و جهت تحقق اهداف و آرمان‌های خویش، فرزندش، شاپور اول را به عنوان جانشین انتخاب نمود.

بر این اساس سوال این پژوهش اینگونه طرح می‌گردد؛ بر مبنای نظریه سیادت کاریزماتیک (Charismatic) ماکس وبر (Max Weber) و با توجه به شرایط بحرانی در جامعه ایران قرن دوم و اوایل قرن سوم میلادی از یکسو و از سوی دیگر ویژگی‌های شخصیتی و چگونگی عملکرد وی قبل از به حکومت رسیدن و در زمان حکومت خویش، آیا می‌توان شخصیت و عملکرد اردشیر بابکان را در قالب یک رهبر کاریزما تبیین نمود؟

این تحقیق بر این فرضیه تکیه دارد که طبق شاخص‌های رهبر کاریزماتیک در نظریه سلطه آرمانی کاریزمایی ماکس وبر، و با در نظر گرفتن ویژگی‌های شخصیتی یا فردی اردشیر و نحوه عملکرد وی در انتقال و حفظ قدرت سیاسی و چگونگی عملکرد وی مبنی بر دگرگون‌سازی و یا ایجاد تغییر در حوزه‌های مختلف اجتماعی، دینی، سیاسی، نظامی و... در زمان حکومت خویش، می‌توان اردشیر بابکان، مؤسس سلسله ساسانی را در قالب یک رهبر کاریزما مطرح نمود. قابل ذکر است اردشیر در سال ۲۴۰ میلادی بعد از چهارده سال فرمانروایی، بعد از ناکامی‌هایی در مواجهه با رومیان (Wiesehofer 1986: 373-374) و (فرای ۱۳۸۲: ۲۲۵) از حکومت کناره‌گیری می‌کند (افول کاریزما) و شاپور پسر شایسته خویش را جانشین خویش می‌سازد و با این اقدام به سلطه کاریزمایی خاندان ساسان تداوم می‌بخشد.

از جمله مطالعات و پژوهش‌هایی که در مورد اردشیر بابکان انجام شده است مقاله‌ای است از شهرام جلیلیان با عنوان «اردشیر بابکان و خدایانو آناهیتا» (۱۳۹۶) که وی به بررسی داستان سرهای بریده هم‌آوردان اردشیر در میدان نبرد و پیشکش کردن آنها به معبد آناهیتا پرداخته است؛ اردشیر به وسیله چنین پیشکش‌های نشان می‌دهد که ستاینده راستین خدایانو آناهیتا است. آناهیتا خدایانوی است که به همراه اهورامزدا شهریاری را به خاندان ساسانیان بخشیده است. مختار ابراهیمی و دیگران در مقاله «مقایسه روایت شاهنامه فردوسی با تاریخ بلعمی درباره اردشیر بابکان» (۱۳۹۶) به بررسی هم‌سانی‌ها و ناهم‌سانی‌های روایات فردوسی در مورد اردشیر بابکان با تاریخ بلعمی پرداخته‌اند تا میزان وفاداری

فردوسی به این منبع تاریخ ایران سنجیده شود. سجاد بهرامیان در مقاله « اردشیر بابکان از ارگبدی تا شاهنشاهی» (۱۳۹۵) با بررسی منابع ایرانی و غیر ایرانی تصویری روشن از سیر حرکت اردشیر اول ساسانی از شاهی تا به شاهنشاهی را ارائه کرده است. حامد صافی و دیگران در مقاله « منابع و شیوه کار فردوسی در داستان اردشیر بابکان» (۱۳۹۵) به بررسی منابع و شیوه کار فردوسی در سرایش داستان اردشیر بابکان و مقایسه آن داستان با سه روایت کارنامه اردشیر بابکان، غررالسیر ثعالبی، نهاریه‌الارب فی الاخبار الفرس پرداخته است.

نوآوری تحقیق حاضر نسبت به مطالعات فوق در آن است که در هیچکدام از پژوهشهای مذکور از رویکردهای جامعه‌شناختی و مبتنی بر چارچوب نظری استفاده نشده است اما پژوهش حاضر با رویکردی جامعه‌شناختی و روشمند به بررسی شخصیت و کارنامه اردشیر بابکان مؤسس حکومت ساسانیان بر مبنای نظریه سیادت کاریزماتیک ماکس وبر پرداخته است.

روش تحقیق در این مقاله در مرحله اول جمع‌آوری داده‌های معتبر از منابع معتبر تاریخی می‌باشد و در مرحله بعد دسته‌بندی و تحلیل این مطالب و داده‌ها در چارچوب «نظریه کاریزما» و شناسایی ابعاد شخصیت فردی، خاندانی، سیاسی و تاریخی اردشیر بابکان در قالب این نظریه است. سیر تدوین مقاله نیز به این شکل است که ابتدا تعریف و شاخصه‌های کاریزماتیک بیان شده و سپس در هر بخش این پژوهش با امعان نظر به همین نظریه، به تحلیل شخصیت اردشیر بابکان پرداخته می‌شود.

۲. چارچوب نظری؛ رهبری کاریزماتیک

ماکس وبر، جامعه‌شناس بزرگ آلمانی در تحلیل رابطه دولت با جامعه بر چگونگی مشروعیت قدرت متمرکز شده بود (ترنر ۱۳۷۹: ۴۰) مطالعه نظام‌های سیاسی مشروع و نهادهای قدرت و دولت از مباحث مهم و کلیدی در جامعه‌شناسی وبر است. او در جامعه‌شناسی سلطه (Authority) خود به رابطه بین حکام و حکومت‌شوندگان می‌پردازد. از دیدگاه او سه نوع سلطه ایده‌آل وجود دارد: نوع اول سلطه‌ای که به صفت‌ها و عرف‌های جامعه اتکاء دارد، این نوع سلطه همان "سلطه سنتی" است. نوع دوم سلطه غیرشخصی و عقلانی است و به لحاظ مشروعیت متکی به قانون است این نوع از سیادت، همان "سلطه قانونی" است. نوع سوم سلطه، ناشی از ایمان و باور قلبی مردم یک جامعه به فرد

سیاستمدار با تمامی صفات شخصیتی و عملی وی است؛ این سلطه "سلطه کاریزماتیک" نام دارد (Weber 1947: 324-329).

کاریزما برگرفته شده از واژه یونانی خاریسمما به معنی موهبت یا جاذبه‌ای ذاتی است که منجر به انجام کاری شگفت و یا انجام نوعی معجزه و یا پیش‌بینی حوادث می‌شود (Willis 1993: 103). وبر این اصطلاح را از رودولف سوهم (Roudolph Sohm) مورخ و نظریه‌پرداز حقوقی آلمانی که معاصر او بود به عاریت گرفت و دیدگاه وی درباره این موضوع الهام گرفته از شخصیت حضرت عیسی (ع) بوده است (جلایی‌پور و فولادیان ۱۳۸۷: ۶۵).

وبر بر این عقیده بود که کاریزما یعنی اینکه از فردی که علایم کاریزما را دارد و به طور مستقیم از سوی خداوند به او اعطا شده است برای به عهده گرفتن رهبری و قدرت دعوت می‌شود (Regis & Turner 1994: 110). وبر در تعریف کاریزما می‌گوید:

کاریزما برای فردی استفاده می‌شود که شخصیتش بواسطه داشتن برخی صفات و خصوصیات ویژه کاملاً از دیگران متمایز می‌شود او بواسطه اینگونه صفات که خداوند به او تفویض نموده است، توانایی و قدرت فوق بشری و استثنایی می‌یابد به همین سبب اینگونه افراد به عنوان رهبر شناخته می‌شود (Weber 1947: 358-360).

این نوع سلطنت همراه با حرمت، هیبت و وفاداری عاطفی پیروان نسبت به شخصیت کاریزماتیک است (Bryman 1992: 41).

۱.۲ ویژگی‌های رهبر کاریزماتیک

بخشی از ویژگی‌های رهبر کاریزماتیک نام می‌برد، به ماهیت و بخشی دیگر به کارکرد او بستگی دارد. رهبر کاریزماتیک در ماهیت خود باید از ویژگی‌های شخصیتی برخوردار باشد تا سیادت کاریزمایی پیدا کند؛ رهبر کاریزماتیک باید دارای ویژگی‌ها و خصوصیات فوق طبیعی، فوق انسانی یا حداقل استثنایی باشد تا از سوی مردم عادی به عنوان رهبر شناخته شود. پذیرش رهبر از سوی عموم مردم با نشانه‌هایی همچون معجزه، اعتماد به وحی، عمل خارق‌العاده قهرمانی حاصل می‌شود (Weber 1947: 359-360) از ویژگی‌های دیگر رهبر کاریزما، نوآوری است؛ الگویی سخنان رهبر می‌تواند چنین باشد «شنیده‌اید که گفته‌اند... اما من می‌گویم که...» و تأیید این نوآوری‌ها گویی یک وظیفه دینی برای مردم بوده است. آخرین ویژگی که جنبه کارکردی دارد ویژگی دگرگون‌سازی کاریزما

است در حالی که اقتدار سنتی و عقلانی به گُنش‌های خسته‌کننده روزمره مردم مربوط می‌شوند، موقعیت اقتدار کاریزمایی لزوماً با قواعد روزمره همراه نیست و بیشتر گُنش احساسی است که گذشته را انکار می‌کند و سعی در تغییر شرایط دارد (Ibid 1947: 360-361).

بنا به عقیده وبر ویژگی اساسی کاریزما احساس ماموریت یا به تعبیر بهتر رسالت است که بیشتر در جنبش‌های مذهبی و یا شخصیت‌هایی مانند پیامبران ظهور می‌کند و پیامبران بهترین مثال شخصیت کاریزمای محسوب می‌شوند اما برای نمونه‌های عادی‌تر ویژگی‌هایی نیز وجود دارند که عبارتند از جاذبه‌ای قدرتمند، نفوذ، اقتدار، جذابیت جسمانی، اعتماد به نفس، فهم نیاز دیگران و نفوذ بر آنها است و چنین ویژگی‌های رهبر کاریزما را از افراد عادی جدا می‌کند و موجب می‌شود که افراد عادی از کاریزما اطاعت کنند (Ibid 1947: 360-361) (عابدی جعفری ۱۳۷۳: ۱۴۷).

۲.۲ زمینه‌های سیاسی - اجتماعی ظهور رهبر کاریزماتیک؛ بحران

با توجه به مباحث اولیه وجود برخی از صفات و نشانه‌ها در رهبر برای پیروی از او کافی نیست چرا که اطاعت از کاریزما همه داستان نیست و برای شرکت در چنین حرکتی و ایجاد موقعیت کاریزمایی به چیزی بیش از باور نیاز هست؛ شرایط تاریخی و اجتماعی عوامل اصلی بحرانی در ظهور رهبران کاریزماتیک هستند. وبر برای نشان دادن وضعیت اجتماعی که باعث می‌شود که این هیجان‌ها شکل بگیرند، از مفهوم بحران استفاده می‌کند (Ibid 1947: 370) (جلایی پور و فولادیان ۱۳۸۸: ۱۲-۱۳). به نظر او رهبران کاریزما اغلب در شرایط و وضعیت‌های منحصر به فرد ظهور می‌کند؛ وبر در مطالعه چهارده تن از رهبران کاریزما تاثیر بحران را در ظهور آنها بررسی کرده است (Burns 1987: 127). عواملی مانند بی‌ثباتی، گسترش اعتراضات مردمی، ضعف نهادها، برای رهبران سیاسی دارای انگیزه‌های قوی و با هوش و فراست، بزرگترین فرصت برای انجام اقدامات تعیین کننده است (Andrian & Apter 1995: 98) و در شرایطی که مردم خواستار تغییر و تحول سریع در سیستم سیاسی - اجتماعی هستند، رهبران کاریزمایی می‌توانند به بهترین شکل، مسائل اجتماعی - سیاسی را حل و فصل نمایند (Ibid 1995: 98) شرایط روحی و روانی ناشی از بحران و تاثیر پذیرش سخن و پیام رهبر کاریزمایی تاثیر زیادی در گروه مردم به او دارد. ظهور یک رهبر کاریزمایی سیاسی معمولاً با شرایط بحران همراه است چنانچه مردم

احساس کنند که رهبران توان لازم را برای رفع مشکل و بحران ندارند از آنها روی برمی‌گردانند و به سمت رهبری جدید کشیده می‌شوند اما رهبری، اقتدار کاریزمایی پیدا می‌کند که بتواند بحرانها را مدیریت و نگرانیهای مردم را رفع نماید (Willner 1984: 43).

۳.۲ افول کاریزماتیک

سیادت کاریزماتیک فرمانبرداری از فردی است با قداست، دلاور و دارای ویژگی‌های خارق‌العاده (ترنر ۱۳۸۸: ۷۱) در این نوع از سیادت مردم از شخصی که برای حل مشکلات آنها ظهور کرده است، پیروی می‌کنند از نظر وبر «وجه مشخصه اقتدار کاریزمایی که از ماهیت آن سرچشمه می‌گیرد بی‌ثباتی است. بعید نیست که (شخص) فرهمند از فره خود چشم پوشد و چه بسا احساس کند که خدایش او را ترک کرده است...» (وبر ۱۳۸۲: ۲۸۲) این بدان معناست که با ایجاد بی‌ثباتی و آشوب در دوران تسلط رهبر کاریزمایی، او اقتدار خود را از دست می‌دهد به گونه‌ی که حتی احساس می‌کند که از هیچ پشتیبانی معنوی برخوردار نیست. بنابراین از آنجا که اقتدار رهبر کاریزمایی و استمرار موقعیت او وابسته به این است که رهبر توانایی خود را در اجرای دعاوی خود برای پیروان خویش نشان دهد به گونه‌ی که اگر وی مدعی پیامبری است باید معجزه بکند و اگر فرماندهی جنگی است باید اعمال قهرمانانه بزرگی انجام دهد. وی می‌بایست از عهده شعارهای خود برآید در غیر این صورت رسالتش از سوی پیروان رد می‌شود و حتی شاید پیروان خود را از دست بدهد (بندیکس ۱۳۸۲: ۳۲۹).

۴.۲ جانشینی کاریزماتیک

وبر با بیان اینکه سیادت کاریزماتیک منشای غیرمعمول دارد؛ بیان می‌کند که سیادت کاریزماتیک عبارت از مناسبات و روابط اجتماعی است که به اعتبار و اثبات ویژگی‌های کاریزما بستگی دارد و در صورت تداوم یافتن و گذر نمودن از آسیب‌های کوتاه‌مدت، سیادت کاریزماتیک که در ابتدای شکل‌گیری خودش نو و بدیع بوده است، به نوعی اقتدار سستی یا قانونی تبدیل می‌شود (Weber 1947: 361) علت این تغییر و تبدیل اقتدار کاریزماتیک در ابتدا منافع معنوی و مادی پیروان در بقاء و تجدید حیات دائمی جمع است. منافع قویتر معنوی و مادی نظام گرداننده پیروان باعث می‌شود که در ابتدا چنین مناسباتی

کاریزمایی ادامه پیدا کند و در مرحله بعد به گونه ادامه یابد که موقعیت آن‌ها حالت استمرار و روزمرگی را پیدا کند. این منافع با فقدان شخصی کاریزما و مطرح شدن جانشینی به شکل وخیمی نمایان می‌شود (فرخنده‌زاده ۱۳۹۶: ۱۱۳) اما وبر برای حل این موضوع راه-حل‌هایی را ارائه می‌دهد. این راه‌حل‌ها سه گونه هستند:

۱_ تلاش مجدد برای یافتن رهبری کاریزمایی که طبق شواهد و علایم، صلاحیت سیادت را داراست.

۲_ تعیین فردی به عنوان جانشین توسط خود کاریزما و قبول آن از سوی پیروان.

۳_ تعیین و نصب فردی برای جانشینی توسط دستگاه کاریزمایی گرداننده اجتماع کاریزمایی و پذیرش و به رسمیت شناختن او از سوی اجتماع مورد نظر (Weber 1947: 367-368).

۳. بحث تاریخی

اردشیر بابکان (۲۲۴-۲۴۱ م) فرزند بابک و نوه ساسان، موبد آتشکده آناهیتا در دهکده‌ی تیروذه از روستاهای شهرخیر در کوره استخر زاده شد (طبری ۱۳۷۵، ۲: ۵۵۸). اردشیر با آنکه از تمامی برادرانش جوانتر بود به سبب مهارت در فنون سواری و آشنایی با رموز جنگ، بیشتر از سایر فرزندان بابک سودای کسب قدرت داشت از همین رو بابک عنوان ارگبد یا فرماندهی پادگان قلعه نظامی شهر دارابگرد را از آخرین شاه بازرنگی ایالت فارس، گوچهر برای او گرفت. وی همچنین در حدود سال ۲۰۰ میلادی موفق شد با حمایت پدر عنوان پادشاهی را در همان شهر بدست آورد. بعد از این بابک به حکم ضرورت و با تشویق و تحریک اردشیر بر گوچهر قیام می‌کند و با قتل او به سال ۲۲۰ میلادی تمامی ایالت فارس را عرصه فرمانروایی خاندان خویش می‌کند و از اردوان پنجم، آخرین شاهنشاه اشکانی، عنوان شاهی ایالت فارس را برای پسر بزرگ خویش، شاهپور درخواست می‌نماید اما با پاسخ منفی شاهنشاه مواجه می‌شود. بعد از مرگ بابک، شاهپور در استخر خود را پادشاه فارس می‌خواند اما اردشیر ادعای شاهی برادر را نمی‌پذیرد و جنگ بین آن دو اجتناب ناپذیر می‌شود در سال ۲۲۲ میلادی قبل از هر برخوردی بین دو برادر، شاهپور به شکل مرموزی کشته می‌شود و اردشیر موفق می‌شود با وجود مخالفت شاهنشاه کشور، خود را پادشاه ایالت فارس بنامد (ویسهوفر ۱۳۸۸: ۷۴) (کریستن سن ۱۳۷۴: ۱۳۴-۱۳۵)

اردشیر بعد از این به توسعه قلمرو خویش پرداخت و ایالاتی چون کرمان، کرانه‌های خلیج فارس، اصفهان، میشان و اهواز و میشان را ضمیمه قلمرو پادشاهی خود نمود (طبری ۱۳۷۵، ۲: ۵۸۲-۵۲۳) (بلعمی ۱۳۸۵: ۶۱۵) ادعای سلطنت و توسعه طلبی‌های اردشیر باعث شد تا شاهنشاه کشور، اردوان پنجم علیه اردشیر پارسی لشکرکشی نماید. دیو کاسیوس، مورخ رومی قرن دوم و سوم میلادی، از سه نبرد بین قوای اردشیر بابکان و لشکر اردوان گزارش می‌دهد که در همه این جنگها اردشیر، پیروز میدان بوده است (1927: LXXX, 3/1).
(2) بدین ترتیب اردشیر بابکان در محلی بنام هرمزدگان به سال ۲۲۴ میلادی توانست در نبردی تن به تن با فرو افکندن اردوان از اسب وی را بکشد با مرگ اردوان، سپاهیان وی متفرق گردیدند (Shahbazi 2005: 469-470) (طبری ۱۳۷۵، ۲: ۵۸۴) و اردشیر در ادامه توسعه‌طلبی‌های ارضی خویش توانست ماد بزرگ و بخشهای شمالی و غربی ایالت آذربایجان، ارمنیه و موصل را تصرف نماید و در سال ۲۲۶ میلادی موفق شد فاتحانه وارد تیسفون، پایتخت اصلی اشکانیان شود و رسماً با عنوان شاهنشاه ایران تاجگذاری نماید. (همان ۱۳۷۵، ۲: ۵۸۴) (بلعمی ۱۳۸۵: ۶۱۶). اردشیر بعد از کشتن اردوان، جهت مطیع نمودن خاندانهای پارتی و شاهک‌های محلی در گوشه و کنار ایران نبردهای خونین متعددی را انجام داد. بلعمی گزارش می‌دهد که اردشیر در پی تحقق سوگند نیای خود، ساسان بود که عهد کرده بود از خاندان من هر کس به شاهی برسد باید روی زمین را از اشکانیان پاک کند (۱۳۸۵: ۶۱۸) وی در ادامه فتوحات خویش متوجه نواحی شرقی ایران شد و سیستان، گرگان، ابرشهر، مرو، بلخ، خوارزم را ضمیمه امپراطوری خویش نمود و در راه بازگشت شاهان کوشانی، تورانی و مکرانی را فرمانبردار خویش ساخت. (طبری ۱۳۷۵: ۵۸۴/۲) وی در سال ۲۲۹ میلادی با طرح دعاوی جدید مبنی بر مالکیت ایران بر قسمت قابل توجهی از سرزمینهای شرقی امپراطوری روم که پیش از این میراث اجداد پارسی ساسانیان بودند، جنگهایی را با رومیان آغاز نمود. (Herodian 1970: 6/2/1) (دریایی ۱۳۸۸: ۱۲-۱۳) (نامه تنسر ۱۳۵۴: ۹۱) (طبری ۱۳۷۵، ۲: ۵۸۰).

۱.۳ موقعیت کاریزماتیک اردشیر بابکان

۱.۱.۳ نسب اردشیر

یکی از ویژگیهایی که سبب می‌شود در مورد شخصیت اردشیر بابکان، باورهای کاریزمایی بین مردم جامعه شکل بگیرد تا اعتبار و جاذبه‌ای برای او در جامعه ایجاد شود، نسب اردشیر است.

از نخستین پادشاهان ساسانی دو نوع شجره‌نامه بجای مانده است؛ شجره‌نامه‌ی واقعی که در همه‌ی کتیبه‌های فرمانروایان ساسانی از اردشیر تا شاپور دوم دیده می‌شود در این نوع تبارنامه، نام خود پادشاه، پدر و نیای او به وضوح ذکر شده است و نوشته‌های روی سکه‌های آنها نیز با تبارنامه‌های ضبط شده در سنگ‌نگاره‌ها، هماهنگ است (جلیلیان ۱۳۹۷: ۱۶). در نوع دیگر تبارنامه که در کارنامه‌ی اردشیر بابکان و در برخی متون پهلوی دیگر آمده است از پیوند خویشاوندی ساسانیان با کیانیان صحبت شده است در این نوشته‌ها از طرفی ساسان، نیای ساسانیان با پادشاهان گذشته ایران همچون بهمن و اسفندیار و لهراسب ارتباط نسبی دارد و از طرف دیگر با فرمانروایان کهن محلی استان پارس پیوند خورده است (دینکرد چهارم ۱۳۹۳: ۷۴۹) (کارنامه اردشیر بابکان ۱۳۷۸: ۱۷۵-۱۷۶) (فرنیغ دادگی ۱۳۸۵، ۱۵۱) (لوکونین ۱۳۷۷، ۳: ۸۵).

مطابق فرهنگ سیاسی ایران باستان مقام سلطنت به عنوان نمایندگی خدا بر روی زمین به خاندانی تعلق می‌گرفت که از فره برخوردار باشند لذا شاهان خاندانهای فرهمند، شخصیت‌های الهی و قدسی می‌یافتند و فرمانبری و اطاعت از آنها برای همگان مسلم شناخته می‌شد این فرّ از آنجا که در گذشته از آن خاندان‌های پیشدادی و کیانی بود، بعنوان فر کیانی شناخته می‌شد و مشروعیت خاندانهای شاهی در گرو پیوند با خاندان‌های شاهی پیشدادی و کیانی بود لذا خاندان‌های مدعی حکومت می‌کوشیدند تا با خلق نسب‌نامه‌های ساختگی خود را بدان خاندانها منسوب سازند.

طبری در روایتی طی تبارنامه‌ی طولانی، نسب اردشیر را به پادشاهان قدیم ایران پیوند می‌دهد وی اردشیر را فرزند بابک پسر ساسان می‌داند که با چندین واسطه نسبش به لهراسب شاه کیانی می‌رسد (۱۳۵۲، ۲: ۵۸۰) چنین نسب‌نامه‌ای با کمی تفاوت در دیگر نوشته‌های ایرانی و عربی مشاهده می‌شود (بلعمی ۱۳۸۵: ۶۱۰) (مسعودی ۱۳۸۲، ۱: ۲۳۸؛ همان ۱۳۶۵: ۹۹) (دینوری ۱۴۱۸: ۶۸) (تجارب‌الامم ۱۳۷۳: ۱۷۶) (گردیزی ۱۳۴۷: ۶۴)

فرنیغ‌دادگی ۱۳۸۵: ۱۵۱؛ مجمل‌التواریخ و القصص ۱۳۸۳: ۳۲-۳۳). در کارنامه اردشیر بابکان نیز ساسان، چوپان بابک، مرزبان پارس است به محض اطلاع یافتن بابک از اینکه ساسان از اخلاف دارای دارایان است دختر خویش را به ازدواج او در می‌آورد. اردشیر حاصل این ازدواج و پسر ساسان کیانی است. (۱۳۷۸: ۱۱) (ثعالبی ۱۳۷۲: ۲۷۴-۲۷۵). در بندهشن ساسان کیانی، جد مادری اردشیر، معرفی شده است «اردشیربابکان، که مادرش دُخت ساسان، پسر وه‌آفرید، پسر زریر، پسر ساسان، پسر اردشیر که او را بهمن پسر اسفندیار گفته‌اند» (۱۳۸۵: ۸۰).

برخی از محققان بر این باورند که ایجاد نقوش برجسته از سوی برخی شاهنشاهان ساسانی در نقش رستم در مجاورت قبور صخره‌ای شاهنشاهان هخامنشی آگاهانه و در راستای برقراری پیوند معنایی با آن خاندان بوده است (بروسیوس ۱۳۸۸: ۱۹۲-۱۹۳).

۲.۱.۳ پیشینه مذهبی خاندان اردشیر

علاوه بر نسب اردشیر بابکان شخصیت روحانی اردشیر و خاندان او در طرفداری و گروه مردم نسبت به اردشیربابکان تاثیر داشته است. ابن‌بلخی در گزارشی بیان می‌کند پس از مرگ بهمن، ساسان فرزند او در کوه نیایش‌ها می‌کرد (۱۳۷۴: ۷۴). در نوشته‌های دیگر نیز به پرستش خداوند توسط ساسان و عزلت‌نشینی او اشاره شده است (طبری ۱۳۵۲، ج ۲: ۴۸۵) (بلعمی ۱۳۸۵: ۴۸۳) (ثعالبی ۱۳۷۲: ۲۲۶). اینکه ساسان خود موبد و سرپرست آتشکده آناهیتا در استخر پارس بوده است (طبری ۱۳۷۵، ۲: ۵۸۰) می‌تواند بیانگر پیوند خاندان ساسانی با زرتشتیگری باشد (جلیلیان ۱۳۹۷: ۲۲). در تخت‌جمشید روی یکی از دیوارهای کاخ خشایارشا نگاره‌ای از بابک و پسرش شاپور دیده می‌شود. بابک در این تصویر در مقام شاه- موبد با یک دست قبضه شمشیری را گرفته است و با دستی دیگر آتش داخل آتشدان را هم می‌زند یا در آن هیزم می‌اندازد (لوکونین ۱۳۷۷: ۴۳-۴۵) (اردشیربابکان خود موبد زاده بود و دین مغان را باور داشت و با حمایت وی بود که روحانیون زرتشتی بسیار نیرومند شدند (Cameron 1969: 123). وی یک روحانی و عنوان «الموبد» (ابن‌قتیبه دینه‌وری، ۱۴۱۸، ۱: ۶۰) و الجامع (گردآورنده اوستا) (مقدسی ۱۳۴۹، ۳: ۱۳۴) را داشت. اردشیر همچنین برای تحکیم پایه‌های دین زرتشتی آتشکده‌هایی بسیاری در شهرهای مختلف ایران ساخت (طبری ۱۳۵۲، ۲: ۵۸۲؛ کارنامه اردشیر بابکان ۱۳۷۸: ۴۷-۴۸).

(۱۱۱) او در بسیاری از متون پهلوی به خاطر کوشش‌های که برای گردآوری نوشته‌های مقدس زرتشتی انجام داده است مورد ستایش قرار گرفته است (زهر ۱۳۷۵: ۳۰۱-۳۰۶).

۳.۱.۳ برتری هوش و خرد اردشیر

در گزارشی درباره به قدرت رسیدن اردشیر بابکان آمده است که بعد از مرگ بابک، مردم شهر استخر، اردشیر پسر کوچکتر بابک را به علت برتری در عقل و خرد به پادشاهی خود برگزیده‌اند (تجارب‌الامم ۱۳۷۳: ۱۷۶-۱۷۷) و گفته شده است که در دوره‌ی ساسانی هیچ پادشاهی حتی پادشاهان بزرگی چون شاپور یکم و هرمزد اردشیر از لحاظ اندیشه و خردمندی مانند اردشیر نبوده‌اند (طبری ۱۳۵۲، ۲: ۵۹۳) (حمزه اصفهانی ۱۳۴۶: ۴۷) (ثعالی ۱۳۷۲: ۲۸۸) (فردوسی ۱۳۷۴، ۵: ۱۵۲۰). همچنین اردشیر دارای جذبه جسمانی و زیبایی بسیار بوده است.

فردوسی اردشیر را این گونه توصیف می‌کند: هنگامیکه او به دنیا آمد هم‌چون ایزد مهر تابنده و درخشنده بوده است و با شکوه و دلپذیر به نظر می‌رسیده است. همچنین اردشیر در دوران کودکی و نوجوانی همه‌ی هنرهای آن زمان را می‌آموزد و این موضوع بر گوهر و نژاد پاک او می‌افزاید و چنان در فرهنگ و چهره زیبا می‌شود که گویی آسمان در صورت او می‌درخشد و تعریف این زیبایی به اردوان نیز می‌رسد. زیبایی اردشیر به گونه‌ی است که بعد از فرار از دربار اردوان زمانیکه به دریا می‌رسد پیرمرد قایقران وقتی به بالا و چهره اردشیر نگاه می‌کند متوجه می‌شود که او شاهزاده است (۱۳۷۴، ۵: ۱۵۱۶).

در کارنامه اردشیر بابکان، او زیبا اندام چابک و با اراده و بسیار شایسته توصیف می‌شود در هنرهایی نظیر سواری و چوگان و تیراندازی، دبیری و فرهنگ و موسیقی چنان پرورش یافته که در ایالت پارس مشهور می‌شود و در پانزده سالگی آوازه او به گوش شاهنشاه پارت، اردوان پنجم می‌رسد و او را دربار خویش دعوت می‌نماید وی در دربار در مردانگی، شکار و انواع هنرها سرآمد است تا جاییکه مورد رشک و حسد درباریان واقع می‌شود. (۱۳۷۸: ۱۷۸-۱۷۹)

۴.۱.۳ محبوبیت اردشیر

بابک پس از قدرت‌گیری در شهر استخر و کشتن گوچهر بازرنگی، تاج شاهی پارس را به پسر ارشدش، شاپور واگذار می‌کند بعد از مرگ بابک، شاپور از برادر کوچکتر خویش،

اردشیر می‌خواهد تا با او بیعت نماید اما اردشیر نمی‌پذیرد شاپور نیز به یاری دیگر برادران خویش، مقدمات جنگی را علیه اردشیر فراهم می‌سازد اما برادران به شاپور خیانت می‌کنند و وی را دستگیر می‌سازند پس از آگاهی اردشیر از این خوش خدمتی برادران، در استخر صاحب تاج و تخت شاهی ایالت پارس می‌شود (بلعمی ۱۳۸۵: ۶۱۲-۶۱۳) گزارش طبری در این خصوص شبیه گزارش بلعمی است در روایت طبری، شاپور بابکان به همراه گروهی از یاران و برادران که عده‌ای از آنها بزرگتر از او بودند، به نبرد اردشیر رفتند اما در بیرون شهر استخر آنها شاپور را دستگیر کرده و پیرو اردشیر شدند (۱۳۵۲، ۲: ۵۹۳).

ثعالبی در گزارش بیان می‌کند که پس از مرگ بابک، شاه استخر، اردشیر امیدوار بود که اردوان او را جایگزین پدر در حکمرانی شهر استخر بکند اما اردوان پسر خودش را به جانشینی بابک تعیین کرد و به پارس فرستاد. اما اردشیر که در این زمان در دربار اردوان زندگی می‌کرد با فرار از دربار او به استخر آمده و به اتفاق دوستان پدرش که نسبت به سلطه اشکانیان بر استان پارس ناراضی بودند، با پسر اردوان جنگیدند و با شکست شاهزاده‌ی اشکانی همه استخر را به اردشیر واگذار نمودند، بزرگان پارس همگی با او هم‌دل بودند (۱۳۷۲: ۲۷۶-۲۷۷) همچنین محبوبیت اردشیر به گونه‌ی بود که زمانیکه او از دربار اردوان فرار کرد از دریا عبور کرد مردم و هواداران بابک بعد از شنیدن این خبر در کنار ساحل به دور او جمع می‌شوند

همی رفت مردم، گروه‌ها گروه به نزدیک برنا، زدریا و کوه
ز هر شهر، فرزانه و رایزن به نزد جهان‌جوی گشت انجمن

اردشیر برای آنها سخن می‌گوید که اردوان با مردمان جهان چه کرده است و نیاکان ما را کشته و من که از تخمه‌ی اسفندیار هستم تصمیم به کشتن اردوان دارم و در این راه نیازمند یاری شما هستم. تمامی افرادی که در آن انجمن بودند با توجه به علاقه‌ی که به اردشیر داشتند خود را مطیع او دانسته‌اند و بیان کردند که در این راه او را همراهی خواهند کرد. (فردوسی ۱۳۷۴، ۵: ۱۵۱۹-۱۵۲۳)

۵.۱.۳ الهی بودن قدرت اردشیر

اردشیر بابکان توانست در نبرد هرمزگان اردوان پنجم آخرین پادشاه اشکانی را شکست دهد و بعد از تصرف قسمت‌های غربی و شمال‌غربی قلمروی اشکانیان در سال ۲۲۶ میلادی وارد شهر تیسفون پایتخت کهن اشکانیان شود و در آنجا تاجگذاری کند. وی نگاره‌ای

دیهمستانی و انتصاب خود از سوی اهورامزدا به شاهی را در سه محل حک کرده است؛ فیروزآباد، نقش رستم و نقش رجب (کریستن سن ۱۳۷۴: ۱۳۹-۱۴۱). سنگ‌نگاره نقش رستم مهمترین نقش حکاکی شده از اردشیر بر روی سنگ است که در آن اهورامزدا و اردشیر هر دو سوار بر اسب هستند. اهورامزدا حلقه و نماد پادشاهی را به اردشیر می‌دهد در زیر سُم اسب هر دو اردوان و اهریمن بر زمین افتاده‌اند که بیان‌کننده آن است که هر دو اهریمنی هستند. اردشیر در این نگاره نشان می‌دهد که حق الهی خود را از اشکانیان گرفته است و بدین ترتیب به همه اطلاع می‌دهد که شهریاری هم میراث نیاکانی وی و هم هدیه و عطیه الهی است (هیئتس ۱۳۹۲: ۱۶۱-۱۹۶).

در متن سنگ‌نوشته آمده که «این پیکر مزداپرست بغ اردشیر شاهنشاه ایران که چهر از ایزدان {دارد} پسر بغ بابک شاه» این نقش به معنای آن است که پادشاه ساسانی توسط خدا به حکومت نصب شده است همچنین متن کتیبه بیانگر آن است که پادشاه از نسل ایزدان است و این به آن معنا است که هرگونه شورش علیه شاه شورش علیه خدایان است و اطاعت و پیروی از شاه وظیفه تمام اهالی کشور است (دریایی ۱۳۸۱: ۲۳). همچنین اردشیر در پاسخ به یک نامه توهین‌آمیز از سوی اردوان که به او گفته بود پادشاهی حق او نیست با جسارت تمام جواب می‌دهد که «خداوند تاج پادشاهی را به من بخشیده است و سرزمین‌هایی را که گشوده‌ام، به من سپرده است و مرا در جنگ با فرمانروایان و پادشاهان که کشته‌ام یاری داده است ...» (طبری ۱۳۵۲، ۲: ۵۸۳) (بلعمی ۱۳۸۵: ۶۱۴-۶۱۵). همچنین اردشیر در سخنرانی خود در هنگام تاجگذاری در جمع بزرگان و آزادان کشور بیان می‌کند که شاکر خداوند است از اینکه موهبت و برکت خودش را به او ارزانی داشته و کشور و پادشاهی را به او سپرده و مردم را به اطاعت او در آورده است و او ادامه می‌دهد که به خاطر همین لطف و محبت خداوند نسبت به او راه عدل و عدالت را پیش می‌گیرد و به عمران و آبادانی کشور می‌پردازد و تمامی ویرانی‌ها را تعمیر و مرمت می‌کند (مسعودی ۱۳۸۲، ۱: ۲۲۸).

۶.۱.۳ پهلوانی‌های اردشیر

در کارنامه اردشیر بابکان و شاهنامه فردوسی زندگینامه اردشیر و جنگ‌های وی با بن‌مایه‌های داستان‌های کهن آمیخته است به گونه‌ای که او مانند مردوک خدای بابلی ایندره خدای هندیان در قالب یک پهلوان اژدهاکش ظاهر گردیده است (جلیلیان ۱۳۹۷: ۵۲). در کارنامه

اردشیر بابکان از درگیریه‌های اردشیر سخن به میان می‌آید که اردشیر در همه این موارد موفق عمل می‌نماید گریز از اصطبل شاهی اردوان، و مقاومت نمودن تا اینکه فره ایزدی به او ملحق می‌گردد و او اردشیر فرهمند می‌شود. درگیری اردشیر با اردوان و درباریان وی که در نهایت اردوان کشته و اردشیر موفق می‌شود درگیری با مهرک نوشزاد که در نهایت اردشیر، او و خانواده اش را بجز دختر کوچکش می‌کشد. درگیری با کرم خدا و هفتان‌بخت و در نهایت کرم خدا را می‌کشد و سپاهش را شکست می‌دهد. نبرد با کردهای مادی که باز پیروز میدان است یا روایت توطئه همسر اردشیر (دختر اردوان) که به تحریک برادرانش قصد جان اردشیر را می‌کند اما شاه فرهمند به کمک نیروهای فرازمینی نجات می‌یابد (۱۳۷۸: ۵۵-۸۷) (فردوسی ۱۳۷۴، ۵: ۱۴۷۵-۱۴۷۶). در برخی گزارش‌های تاریخی از سال ۲۲۴ میلادی که اردوان کشته می‌شود تا سال ۲۲۶ میلادی، اردشیر در راستای ایجاد نظم و ثبات در کشور و البته تثبیت پادشاهی خویش، تمامی این دو سال را صرف مبارزه با شاهکهای محلی نیمه مستقل و خاندانهای اشراف اشکانی که در راس ایالات ایران بودند، می‌کند و تمامی آنان را تحت تابعیت خویش درمی‌آورد. (شپیمان ۱۳۹۰: ۱۶-۱۹)

۷.۱.۳ طرح دعوی جدید مبنی بر بازستانی میراث ارضی نیاکانی

اردشیر بابکان پس از تصرف تیسفون خود را آماده نبرد با روم کرد هدف اردشیر از این نبرد که توسط جانشینان وی نیز ادامه پیدا کرد باز پس‌گیری تمامی سرزمین‌های متعلق به ایران در دوره قبل از حمله اسکندر مقدونی بود. هردویانوس و دیوکاسیوس مورخان رومی بیان می‌کنند که اردشیر در صدد باز پس‌گیری سرزمین‌های بوده که آن‌ها را میراث نیاکان بزرگ خود می‌دانسته است، سرزمین‌هایی که تحت تملک کورش و جانشینان هخامنشی وی بوده است. (Diocassius 1927: LXXX, 3/1-2 & Herodian 1970: 6/2/1) اردشیر به بین‌النهرین لشکر کشید و چهارصد تن از صاحب‌منصبان و سواره نظام خود را به سوی امپراتور روم فرستاد و برای او پیام فرستاد که روم باید سوریه و تمام سرزمین‌های آسیای غربی را که تا پیش از حمله اسکندر به ایران تعلق داشته است به ساسانیان واگذارد (زرین‌کوب ۱۳۹۴: ۱۹).

در نامه تنسر کین خواهی یا خون خواهی دارا (جد ساسانیان) علت اصلی جنگ با رومیان عنوان شده است (۱۳۵۴: ۹۱). طبری نیز گرفتن انتقام خون دارا و بازگرداندن پادشاهی جهان به صاحبان اصلیش را انگیزه اصلی ساسانیان در نبرد با رومیان دانسته است

(۱۳۵۲، ۲؛ ۵۸۰). در دیگر روایات تاریخی ذکر شده که اردشیر طی نامه‌ای به همه ملوک- الطوایف پیغام داد که پادشاهی حق و میراث پدران او بوده است و او تلاش دارد که ظلم را از بین ببرد و حق خود را پس بگیرد و کشور را متحد کند و با این استدلال ملوک الطوایف را به اطاعت از خود دعوت نمود و یادآوری کرد که می‌خواهد کشور را تحت فرمانروایی قانونی خویش، یکپارچه و متحد سازد (تجارب‌الامم ۱۳۷۳: ۱۷۷-۱۷۸) (ثعالبی ۱۳۷۲: ۲۷۷).

۸.۱.۳ نوآوری اردشیر؛ پیوند دین و دولت

در تواریخ ملی و بالتبع آن گزارش‌های مورخان اسلامی اجرای سیاستهایی چون تمرکز بخشیدن به امور دینی و سیاسی را به اردشیر، مؤسس سلسله ساسانی نسبت داده‌اند. در این روایات اردشیر، مدافع وحدت ملی و احیاگر شکوه و افتخار گذشته ایران معرفی می‌شود. شکوه و عظمتی که توسط اسکندر رومی از میان رفته بود، و اتحاد و وحدت حاکم بر ایران را به تفرقه، تشتت و پراکندگی مبدل ساخته بود ساسانیان مطابق این روایات عقیده داشتند که وارثان شاهنشاهان کیانی هستند که اسکندر آنرا تجزیه و غارت کرد و اشکانیان آنرا مطابق خواسته و هدف اسکندر رومی، اداره کرده (عهد اردشیر ۱۳۴۸: ۶۹) به گفته ثعالبی، اردشیر در ایراد خطبه سلطنت بعد از تاجگذاری، رحمت و اتفاق کلمه را نعمت تمام و کمال خداوند می‌داند که به وی ارزانی داشته است و خویش را برگزیده و منتخب خداوند می‌داند که به سرپرستی بندگان و سرزمین‌ها... گماشته شده است تا امور دین و کشور را به سامان آورد چرا که دین و دنیا چون دو برادر توامان هستند (۱۳۷۲: ۳۰۶).

در بندهشن آمده است که «...آن کرده خدایان را کشت، شاهی را از نو آراست، دین مزدیسنان را رواج بخشید و آیین‌های بسیار آراست که در تخمه او رفت» (۱۳۸۵: ۱۴۰). در زندبهن یسن از اردشیر به عنوان آراستار و ویراستار جهان یاد شده است (۱۳۷۰: ۳-۴). به نظر می‌رسد تمام تلاش اردشیر برای ایجاد انسجام ملی، یکپارچگی مذهبی و تمرکز سیاسی بوده است مواردیکه پیش از اردشیر هرگز در ایران محقق نیافته بود.

اما آیینی که اردشیر بنیان گذاشت نوعی بدعت‌گذاری در آیین کهن بود چرا که آنچه که او «متعارف» نامید توسط همه مردم کشور پذیرفته نشد. این سنت جدید ابداعی توسط دولت ساسانی ایجاد شد و روحانیان و زرتشتیان نیز موظف به پیروی از آن شدند. نوآوری که موجب اعتراض آذرگشنسب شاه گیلان و مازندران نیز شد او اردشیر را متهم به نوآوری

کرد اما اردشیر چنین نوآوری را برای یکپارچگی ملت و آیین لازم می‌دانست (دریایی ۱۳۹۲: ۷۹).

نوآوری دیگر اینکه اردشیر قلمرو پادشاهی خود را ایران‌شهر نامید؛ وی این نام را از عنوان سرزمین‌های اسطوره‌ای آریاییان در اوستا اخذ نموده بود. ایران‌شهر ریشه در مفاهیم دینی و سنتی ایرانیان داشته و بعدها تا حد یک مفهوم سیاسی برای انطباق بر یک قلمرو یکپارچه ارتقا پیدا کرده است (همان ۱۳۹۲: ۶).

علاوه بر موارد فوق وی پیشقدم تنظیم طبقات اجتماعی مردم نیز بوده است در عهد اردشیر آمده است مردم جامعه بر چهار گروهند یک دسته اسواران اند یک دسته موبدان و نیایشگران و پرستاران آتشکده‌ها و یک دسته دبیران و احتراماران و پژشکان و یک دسته کشاورزان و صنعتگران و بازرگانان... (۱۳۴۸: ۷۸) مسعودی نیز اردشیر را پیشقدم در تنظیم طبقات اجتماعی می‌داند (۱۳۸۲، ۱: ۲۲۹-۲۴۱) علاوه بر این مطابق منابع تاریخی، وی توجه خاصی بر عمران و آبادانی شهرهای ویران شده و ساختن شهرهای جدید نیز داشته است. ساخت شهرهای بسیاری همچون گور یا فیروزآباد، ویه اردشیر یا سلوکیه جدید، اردشیر خوره، ریو اردشیر، وهشت اردشیر، استرآباد اردشیر و میشان به اردشیر نسبت داده شده است (کریستن سن ۱۳۷۴: ۶۶).

۹.۱.۳ چهره‌ی آرمانی اردشیر

در نوشته‌های درباری ساسانیان چون خداینامه‌ها، گاهنامه‌ها و اندرزنامه‌ها، تلاش می‌شد که افکار و آرمان‌های مؤسس دولت ساسانی را به عنوان یک شاه مطلوب و آرمانی در معرض دید و پیشروی بزرگان و شاهزادگان ساسانی قرار دهند. پردازش چهره‌ای مذهبی، آینده‌نگر و اندرزگو به آیندگان مربوط به قرون پایانی حکومت ساسانی بوده و کارکرد اینچنین الگوپردازی، فائق آمدن بر بحرانها و مشکلات حکومت و جامعه ساسانی در قرون پایانی حکومتشان بوده است (Daryaei 2004, 35-45).

این رویکرد خاص منابع عصر ساسانی نسبت به اردشیر به تواریخ اسلامی از طریق ترجمه متون ساسانی منتقل گردید. در نگاه مورخان اسلامی اردشیر در پوششی از اسطوره و حماسه قرار گرفته است و در نامه تنسر نیز او چهره‌ای فناپذیر دارد که مظهر اراده ملی و پیشوای حکمت و تدبیر سیاسی است (محمودآبادی و آینه‌وند ۱۳۷۹: ۶۱-۶۲).

۱۰.۱.۳ بحرانهای جامعه

همانگونه که ذکر گردید علاوه بر صفات و ویژگی‌های شخصیتی باید شرایطی نیز وجود داشته باشد تا افراد حول یک نفر جمع شوند. شرایط اجتماعی موجود در جامعه از عوامل اصلی تشکیل فرایند شخصیت کاریزماتیک است.

قبل از شروع نبرد نهایی بین اردوان پنجم و اردشیر حوادث بسیاری در داخل و خارج کشور اتفاق افتاد که زمینه‌ساز قدرت‌یابی اردشیر شد از یکسو در مرزهای غربی، امپراطوری روم یکی از بحرانی‌ترین دوران خود را تجربه می‌کرد و هر کدام از واحدهای ارتش سرسپرده یکی از سرداران شده بودند همین مسئله باعث هرج و مرج در امپراطوری روم شده بود هر چند اردوان در جنگ با رومیان طبق معاهده سال ۲۱۸ میلادی آنان را مجبور به پرداخت خراج سنگین نمود، اما خود در داخل کشور با مدعی جدید به نام بلاش ششم که تا سال ۲۲۱-۲۲۲ میلادی نیز به نام خود سکه ضرب می‌کرد، مواجه بود (دریایی ۱۳۹۲: ۳). مسئله دیگر اختلافات بین شاهزادگان پارتی بر سر مسئله جانشینی بود که تقریباً بعد از مرگ هر پادشاهی باعث منازعات داخلی می‌شد. مدعیانی که هر کدام از حمایت جمعی از نجبای بزرگ برخوردار بودند و مدعی مقام سلطنت می‌شدند (زرین‌کوب ۱۳۹۴: ۱۳). در این زمان است که توسعه‌طلبی‌های بابک و پسرش اردشیر در پارس آغاز شد که نشان‌دهنده وضع آشفته این ایالت و سایر ایالات و البته ضعف حکومت مرکزی بود. بعد از به قدرت رسیدن اردشیر در ایالت پارس او شروع به دست‌اندازی به نواحی اطراف همچون کرمان و اصفهان کرد و حتی او در انجمنی متشکل از بزرگان پارسی، اشکانیان را بیگانه خواند و تسلط آنها بر ایران را مصیبت بزرگی خواند (زرین‌کوب ۱۳۹۴: ۱۲-۱۴). در همین هنگام عده‌ای از اشراف و بزرگان به خصوص اعضای دو خاندان بزرگ سورن و اسپهبد نیز که از حکومت اشکانیان بر ایران ناراضی بودند به صورت پنهانی با اردشیر ارتباط برقرار کردند (موسی خورنی ۱۹۸۴: ۱۷۱). بنابراین بحران در ساختارهای سیاسی جامعه و منازعات و درگیریهای داخلی بعلاوه جنگهای پیاپی با رومیان و شکستهای متوالی اشکانیان از آنها بطوریکه تیسفون پایتخت اشکانیان، در قرن دوم میلادی سه بار توسط رومیان اشغال گردید، زمینه و بستر را برای قدرت‌یابی خاندان ساسانی مهیا نمود.

۱۱.۱.۳ گزینش شاپور بعنوان جانشین

همانگونه که پیشتر گفته شد یکی از راه‌ها برای حل بحران مسئله جانشینی شخصیت کاریزماتیک تعیین جانشین از سوی او و پذیرش آن از سوی پیروان است. اردشیر، موسس شاهنشاهی بزرگ ساسانی دارای پسرانی بود که هر کدام فرمانروایی ایالت‌های مختلف شاهنشاهی را در دست داشتند و شاید ترس او از اینکه مبادا بعد از مرگ او بین فرزندان او برای کسب قدرت، ستیزه به وجود آید در زمان حیات خویش، فرزندش شاپور را بعنوان شاهنشاه آینده، شریک سلطنت خود نمود و خود گوشه نشینی را برگزید (طبری ۱۳۵۲، ۲: ۵۸۹). در گزارشی آمده که اردشیر با دست خود تاج را بر سر شاپور گذاشت (بلعمی ۱۳۸۵: ۶۱۷). مسعودی علت انتخاب نمودن شاپور از سوی اردشیر را صفات خاص شاپور چون بردباری، خردمندی، دلیری و کارآمدتر بودن او نسبت به بقیه برادرانش می‌داند (۱۳۸۲، ۱: ۲۴۲).

اما ویسپوف و فرای بر این باور هستند که ناکامی‌های سپاه ایران در جبهه‌های ارمنستان و جنوب بین‌النهرین بعد از سال ۲۳۲ میلادی در برابر قوای روم به فرماندهی الکساندر سوروس (۲۰۸-۲۳۵م)، باعث کناره‌گیری اردشیر از حکومت شد بطوریکه در تواریخ رومی، به این جنگ به سبب حفظ مرزهای پیشین امپراتوری روم به مثابه پیروزی نگریسته شده است ضمن آنکه خسارت‌های بسیاری نیز بر نیروهای ساسانی وارد آمده و تلفات زیادی را متحمل شدند. در تواریخ فارسی و عربی قرون نخستین اسلامی، هیچ اشاره‌ای به این نبرد و عدم پیروزی اردشیر نگردیده است (Wiesehofer 1986: 373-374) (فرای ۱۳۸۲: ۲۲۵). مطابق نظریه کاریزما می‌توان به این نتیجه رسید که اردشیر در تحقق بخشیدن یا عملی نموده به دعاوی ارضی خویش بازماند و تصمیم گرفت کناره‌گیری نماید و قدرت را به فرد شایسته‌تر از خویش بسپارد.

همچنین اردشیر به عنوان یک شاه مدبر و دوراندیش بر خود لازم دانست که فرزندش را در امور کشورداری راهنمای کند از این رو توصیه‌نامه‌هایی در باب آیین کشورداری برای شاپور به یادگار گذاشت چنانکه در کتاب‌هایی همچون *الفهرست*، *تجارب‌الامم فی اخبارالملوک العرب و العجم*، *تاریخ طبری*، *شاهنامه* و *مروج‌الذهب و معادن‌الجواهر* از کتابی با نام «عهد اردشیر» و یا «عهد اردشیر الی ابنه سابور» نامبرده شده است که اردشیر آیین‌ها و سنت‌های شهریاری همچون رفتار و گفتار پادشاه، یگانگی دین و پادشاهی و چگونگی گزینش ولیعهد و غیره به فرزندش شاپور گوشزد نموده است (ابن‌ندیم ۱۳۸۱: ۱۲۵-)

(۱۲۶) تجارب الامم فی اخبار الملوک العرب و العجم ۱۳۷۳: ۱۹۲-۱۹۳ (طبری ۱۳۵۲، ۲: ۵۸۵) (مسعودی ۱۳۸۲، ۱: ۲۴۲-۲۴۳) (فردوسی ۱۳۷۴، ۵: ۱۵۱).

۴. نتیجه گیری

اردشیر بابکان به عنوان مؤسس سلسله ساسانی از ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری که می‌تواند مشخصات یک فرد کاریزما باشد برخوردار بود. ویژگی‌هایی همچون انتسابش به خاندانهای فرهمند باستانی (کیانیان)، تعلق وی به یک خاندان مذهبی، خردمندی وی، انتساب او از جانب اورمزد به پادشاهی ایران، داشتن محبوبیت بخاطر پهلوانی‌هایش در جنگ‌هایی با ملوک الطوائف اشکانی، که میراث منحوس اسکندر رومی ملعون بودند، جنگ با کرم هفتواد و سپاهیان او و همینطور اهتمام اردشیر در باز پس‌گیری میراث ارضی نیاکان پارسی خویش، برای او در جامعه آن زمان جاذبه و اعتباری خاص ایجاد کرد که زمینه‌ساز شکل‌گیری شخصیت کاریزماتیک او شد.

اردشیر به عنوان رهبر کاریزمایی ایران توانست برای عبور از وضعت بحرانی جامعه آن زمان راه حل‌هایی را ارائه و عملی نماید. مشکلات داخلی که ناشی از ساختار سیاسی خاص حکومت اشکانیان و نتیجه آن عدم اتحاد و یکپارچگی کشور بود. وجود نابسامانی-ها، منازعات و اختلافات در بین لایه‌های قدرت که زمینه را برای تحریکات و جنگ‌های دشمنان خارجی چون رومیان مهیا می‌نمود این بحران‌ها و ناامنی‌های موجود در جامعه، باعث گردید تا مردم ایران خواهان وجود یک حکومت مقتدر باشند تا بتواند با ایجاد نظم و انسجام اجتماعی سیاسی بر مشکلات و بحران‌های جامعه فائق آید. موفقیت‌های اردشیر در حل مسائل همه جانبه کشور، باعث تقویت و ادامه جنبش او شد. توجه خاص به دین زرتشتی و ارائه سیاست اتحاد دین و دولت، طرح دعاوی جدید در باز نمودن بایی جدید در روابط ایران و روم، ایجاد نظم در طبقات اجتماعی و انجام اقدامات عمرانی و شهرسازی از جمله نوآوری‌های اردشیر در مواجهه با شرایط بحرانی جامعه بوده است. این راهکارها توسط جانشینان و اخلاف اردشیر نیز تا حد زیادی ادامه یافت بطوریکه خسروانشیروان در قرن ششم میلادی در رویارویی و مواجهه با بحران‌های موجود در جامعه ایران بعد از غائله مزدک، برای اجرای اصلاحات و نوآوری‌های خویش، خود را پیرو و ادامه‌دهنده اردشیر بابکان می‌خواند. اردشیر در سالهای پایانی عمر خود با انتخاب فرزند خود، شاپور به عنوان

جانشین کاریزمایی نشان داد که او خواهان ادامه این فرآیند در دوره جانشینان خویش نیز هست.

شیوه ارجاع به این مقاله

حجتی نجف‌آبادی، شهناز و محمد بهرامی (۱۳۹۹)، «بررسی شخصیت اردشیر بابکان در قالب نظریه کاریزماتیک ماکس وبر»، *دوفصل‌نامه علمی - پژوهشی تحقیقات تاریخ اجتماعی*، س ۱۰، ش ۲.
doi: 10.30465/shc.2021.32729.2139

کتاب‌نامه

- ابن اثیر، عزالدین علی (۱۳۷۴)، *تاریخ‌الکامل*، ترجمه محمدحسین روحانی، ج ۲، تهران: اساطیر.
- ابن بلخی (۱۳۷۴)، *فارسانامه*، مصحح: لسترنج و نیکلسن، توضیح و تحشیمه: منصور رستگار فسایی، شیراز: بنیاد فارس‌شناسی.
- ابن ندیم، محمد ابن اسحاق (۱۳۸۱)، *الفهرست*، ترجمه محمدرضا تجدد، تهران: اساطیر.
- بروسیوس، ماریا (۱۳۸۸)، *ایران باستان*، ترجمه عیسی عبدی، تهران: ماهی.
- بلعمی، ابوعلی محمد بن محمد (۱۳۸۵)، *تاریخ بلعمی*، تصحیح: محمدتقی بهار، به کوشش محمدپروین گنابادی، تهران: زوار.
- بندیکس، رونالد (۱۳۸۲)، *سیمای ماکس وبر*، ترجمه محمود رامبد، تهران: هرمس.
- ترنر، برایان (۱۳۷۹)، *ماکس وبر و اسلام*، ترجمه سعید وصالی، تهران: روزافزون.
- ثعالی مرغنی، حسین بن محمد (۱۳۷۲)، *شاهنامه کهن: پارسی تاریخ غررالسیر*، ترجمه سید محمد روحانی، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- جلایی‌پور، حمیدرضا و مجید فولادیان (۱۳۸۷)، «شرایط شکل‌گیری و یا افول رهبرکاریزمایی مطالعه موردی دوره خاتمی ۱۳۷۶-۱۳۸۴»، *پژوهش‌نامه علوم سیاسی*، سال سوم، ش ۴، صص ۷-۳۸.
- جلیلیان، شهرام (۱۳۹۷)، *تاریخ تحولات ایران در دوره ساسانی*، تهران: سمت.
- حمزه اصفهانی، (۱۳۴۶)، *تاریخ پیامبران و شاهان*، ترجمه جعفر شعار، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- دریایی، تورج (۱۳۸۱)، *سقوط ساسانیان، پیروزی عرب‌ها و فرجام‌شناختی زرتشتی*، ترجمه شهرام جلیلیان، تهران: توس.
- دریایی، تورج (۱۳۸۸)، *شاهنشاهی ساسانی*، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: ققنوس.
- دریایی، تورج (۱۳۹۲)، *امپراتوری ساسانی*، ترجمه خشایار بهاری، تهران: فرزانه‌روز.
- دریایی، تورج (۱۳۹۲)، *ناگفته‌های امپراطوری ساسانی*، ترجمه آهنگ حقانی و محمود فاضلی بیرجندی، تهران: ققنوس.
- دینکرد چهارم (۱۳۹۳)، ترجمه و پژوهش مریم رضایی، تهران: نشر علمی.

- دینوری، ابن قتیبه (۱۴۱۸)، *عیون الاخبار*، جلد اول، بیروت.
- راشد محصل، محمد تقی و سید فاطمه موسوی (۱۳۸۹)، «بررسی عناصر داستانی در متن پهلوی کارنامه اردشیر بابکان»، *کهن نامه ادب فارسی*، دوره ۱، شماره ۱، صفحه ۱-۲۴.
- زرین کوب، عبدالحسین و روزبه زرین کوب (۱۳۹۴)، *تاریخ ایران باستان (۴) تاریخ سیاسی دوره ساسانیان*، تهران: سمت.
- زندبهن یسن (۱۳۷۰)، *تصحیح متن، آوانویسی و برگردان فارسی و یادداشت‌ها: محمد تقی راشد محصل*، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگ.
- زفر، آر سی (۱۳۷۵)، *طلوع و غروب زرتشتی‌گری*، ترجمه تیمور قادری، تهران: فکر روز.
- شپیمان، کلاوس (۱۳۹۰)، *مبانی تاریخ ساسانیان*، ترجمه کیکاووس جهانگیری، تهران: فرزانه روز.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۵۲)، *تاریخ طبری یا تاریخ الرسل والملوک*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۲، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- عابدی جعفری، حسن (۱۳۷۳)، «جاذبه استثنایی، تحول مفهوم‌ها و مصداق‌ها»، مصباح، ش ۱۱.
- عهد اردشیر (۱۳۴۸)، *پژوهنده عربی احسان عباس*، ترجمه محمد علی امام شوشتری، تهران: انجمن آثار ملی.
- فرای، ریچارد (۱۳۸۲)، «تاریخ سیاسی ایران در دوره ساسانیان»، *سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان*، ج ۳، قسمت اول، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.
- فرخنده‌زاده، محبوبه (۱۳۹۶)، «زید بن علی (ع) رهبر کاریماتیک زیدیان»، *پژوهشنامه تاریخ اسلام*، سال هفتم، ش ۲۶، صص ۱۰۳-۱۲۴.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۷۴)، *شاهنامه؛ بر اساس شاهنامه چاپ مسکو*، تصحیح ژول مول، تهران: شقایق.
- فرنیغ دادگی (۱۳۸۵)، *بندهشن*، گزارنده مهرداد بهار، تهران: توس.
- کارنامه اردشیر بابکان (۱۳۷۸)، *متن پهلوی، آوانویسی و ترجمه فارسی*، بهرام فره‌وشی، تهران: دانشگاه تهران.
- کریستن سن، آرتور (۱۳۷۴)، *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی، تهران: دنیای کتاب.
- گردیزی، عبدالحی الضحاک بن محمود (۱۳۴۷)، *زین الاخبار*، تصحیح و تحشیه و تعلیق عبدالحی حبیبی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- لکونین، ولادیمیر گریگوییچ (۱۳۷۷)، «نهادهای سیاسی، اجتماعی و اداری مالیاتی، داد و ستد»، *تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان*، گردآورنده احسان یارشاطر، ترجمه حسن انوشه، ج ۳، قسمت دوم، تهران: امیرکبیر.
- مجمالتواریخ و القصص (۱۳۸۳)، *تصحیح محمد تقی بهار*، تهران: دنیای کتاب.
- محمودآبادی، سیداصغر و صادق آینه‌وند (۱۳۷۹)، «نقد و بررسی تطبیقی منابع اسلامی و غربی در باب کتیبه‌های اردشیر بابکان»، *مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان*، ش ۱ و ۲: صص ۶۱-۷۸.

بررسی شخصیت اردشیر بابکان در قالب نظریه ... (شهناز حجتی نجف‌آبادی و محمد بهرامی) ۸۷

- مسعودی، علی بن حسین (۱۳۶۵)، *التبیه و الاشراف*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: علمی و فرهنگی.
- مسعودی، علی بن حسین (۱۳۸۲)، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۱، تهران: علمی فرهنگی.
- مسکویه رازی، (۱۳۷۳)، *تجارب الامم فی اخبار الملوک العرب و العجم*، به کوشش رضا انزابی‌نژاد و یحیی کلاتری، مشهد: دانشگاه مشهد فردوسی.
- مقدسی، مطهر بن طاهر (۱۳۴۹)، *آفرینش و تاریخ*، ترجمه و تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی، ج ۳، تهران: آگه.
- موسی خورنی (۱۹۸۴)، *تاریخ ارمنستان*، ترجمه گنورکی نعلبدیان، ایروان: اداره نشریات دانشگاه ایروان.
- نامه تنسربه گشنسب (۱۳۵۴)، تصحیح مجتبی مینوی، گردآورنده تعلیقات مجتبی مینوی و محمداسماعیل رضوانی، تهران: خوارزمی.
- نولدکه، تئودور (۱۳۶۹)، *حماسه ملی ایرانیان*، ترجمه بزرگ علوی، به اهتمام سعید نفیسی، تهران: جامی و مرکز نشر سپهر.
- وبر، ماکس (۱۳۸۲)، *دین، قدرت و جامعه*، ترجمه احمد تدین، تهران: هرمس.
- ویسهوفر، یوزف (۱۳۸۸)، *تاریخ پارس از اسکندر مقدونی تا مهرداد اشکانی*، ترجمه هوشنگ صادقی، تهران: فرزانه روز.
- هیئتس، والتر (۱۳۹۲)، *یافته‌های تازه از ایران باستان*، ترجمه پرویز رجبی، تهران: ققنوس.

- Andrian, Charies & David Apter, *Political protest and social change*, London: Macmillian press, 1995.
- Bournoutian, G. *A History of the Armenian People*. Vol. I, California, 1995.
- Bryman, Alan, *Charisma and Leadership in Organization*, London: sage publication, 1992.
- Burns, J, M, *leadership*, New York: 1987.
- Cameron. A, *Agathias on the Sasanian's Dumberton Oaks papers*, vol 23, 1969.
- Daryae, Toraj, "The Ideal King in the Sasanian World *Ardaxšīr ī Pābagān or XusrōAnōšag-ruwān?*" *Nāme-ye Irān-e Bāstān*, Vol. 3, No. 1, 2004.
- Dio cassius. *Roman History*. Vol. IX (Books 71-80). London and New York: Loeb Classical Library (No.177), 1927.
- Herodian. *History of the Empire*. Vol. II (Books 5-8) London and New York: Loeb Classical Library (No.455), 1970.
- Livshits, V, A, "New Parthian Document's from south Turkemenistan" *act Antiqua AcademicScientiarum*, vol.25, Hungaricae: 1997.
- Max Weber, *the Theory of Social and Economic Organization*, translated by
- Shapur Shahbazi, A. "Hormozdgan". *Encyclopedia Iranica*. E.D. Ehsan Yarshater, Vol.XII. London and New York: Routledge& Kegan Paul, 2005.

texts

- Turner, Stephen & Regis factor, *Max Weber, the lawyer as social thinner*, London: Routledge, 1994.
- Wiesehöfer, Joseph, "ARDAŠĪR I i. History," *Encyclopaedia Iranica*, 1986, II/4, pp. 371-376, available online, at <http://www.iranicaonline.org/articles/ardasir-i>
- Willis, Roy, "Charisma, in: Adam Kuper and Jessica Cuper", **the social scienceEncyclopaedia**, London: 1993.
- Willner, Ann Ruth, *The spellbinders Charismatic Political Leadership*, London: Yak University Press, 1984.

